



اخبار کوتاه

دپوی ۷۰۰ هزار تن روغن و دانه‌های روغنی در گمرک!

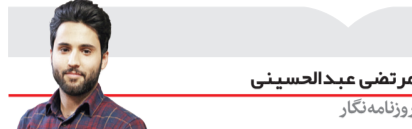
بررسی تازه‌ترین گزارش‌های رسمی مرکز آمار و گمرک ایران، از جریان قیمت و واردات این کالا در سال گذشته نشان می‌دهد در اسفندماه متوسط قیمت روغن مایع ۹۰۰ گرمی، ۱۵ هزار و ۶۰۰ تومان ثبت شده بود و تا ۲۶ هزار و ۲۰۰ تومان هم قیمت خورد، درحالی که قیمت آن در اسفندماه ۱۳۹۸ حدود ۸۶۰۰ تومان گزارش شده بود. به گزارش ایسنا، بر این اساس قیمت این کالانسیبت به بهمن سال گذشته ۷/۹ درصد و در مقایسه با اسفند ۱۳۹۸ بیش از ۸۰ درصدافزایش قیمت دارد. درمورد روغن جامد نیز هر کیلو از آن در اسفندماه ۱۳۹۸ حدود ۹۱۰۰ تومان قیمت داشت که در بهمن سال قبل به ۲۱ هزار و ۷۰۰ تومان و در اسفندماه به متوسط ۲۲ هزار و ۶۰۰ تومان رسید، البته تا بیش از ۳۳ هزار تومان هم برای آن ثبت شده است. بر این اساس قیمت هر کیلو روغن جامد در اسفند سال قبل ۴/۲ درصد در مقایسه با بهمن و ۱۴/۶ درصد نسبت به اسفند ۱۳۹۸ گران شده است. در رابطه با واردات روغن و مواد اولیه آن باید یادآور شد که این کالااز جمله پنج قلم دریافت کننده ارز ۴۲۰۰ تومانی است که برای سال جاری هم پرداخت نرخ ارز ترجیحی به آن ادامه خواهد داشت. طبق آمار گمرک ایران در سال گذشته حدود ۲۳ میلیون تن کالای اساسی در پنج قلم واردات انجام شده که بیش از سه میلیون تن آن مربوط به روغن و مواد اولیه آن است؛ به طوری که دو میلیون و ۳۴۰ هزار و ۱۵۸ تن دانه روغنی به ارزش یک میلیارد و ۲۴۹ میلیون و ۷۳۹ هزار دلار و همچنین برای روغن خوراکی، نیمه جامد، مایع و خام یک میلیون و ۱۸۴ هزار و ۷۸۹ تن به ارزش یک میلیارد و ۶۷ میلیون دلار از گمرک ترخیص شده است. این در حالی است که در آخرین موجودی اعلامی از کالاهای اساسی مشخص شد که تا اواسط فروردین بیش از ۳۴۰ هزار تن روغن خام و بالغ بر ۳۵۵ هزار تن دانه‌های روغنی در گمرک و بنادر دپو شده است. به عبارتی در مجموع ۶۹۵ هزار تن روغن و دانه‌های روغنی در گمرک و بنادر کشور دپو شده است که ترخیص آن می‌توانست قیمت‌ها در بازار را متعادل کند.

ایرانی‌ها حدود ۱۶۰۰ خانه در ترکیه خریدند

به گفته مرکز آمار ترکیه، ایرانی‌ها با زهم بزرگ‌ترین گروه خریدار خارجی خانه در این کشور هستند. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری آناتولی ترکیه کاهش محدودیت‌های کرونایی در آن کشور باعث شده تمایل اتباع خارجی برای خرید خانه در ترکیه افزایش داشته باشد؛ به گونه‌ای که طبق اعلام مرکز آمار این کشور، در ماه مارس میزان خرید خانه توسط اتباع خارجی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳/۲ درصد افزایش داشته و به ۹۸۸۷ واحد رسیده است. پس از کاهش ارزش پول ملی ترکیه، جذابیت خرید خانه توسط خارجی‌ها بیشتر شده است. از ۱۱۱ هزار و ۲۴۱ خانه فروخته شده، استانبول محبوب‌ترین شهر برای خرید خانه بوده و طی یک سال اخیر ۵۱ هزار و ۶۳۳ مورد از کل معاملات مسکن صورت گرفته مربوط به این شهر بوده است. پس از استانبول نیز شهرهای آنکارا با ۲۵ هزار و ۳۹۵ مورد و آنکارا با ۱۵ هزار و ۳۵۸ مورد، محبوب‌ترین شهرها برای خرید خانه در ترکیه بوده‌اند. به گفته مرکز آمار ترکیه، در سه ماه نخست سال جاری میلادی اتباع ایرانی با خرید ۱۵۹۹ واحد خانه، بزرگ‌ترین گروه بزرگ خریدار خارجی مسکن ترکیه بوده‌اند و عراقی‌ها با خرید ۸۷۶ خانه در صدر این ماه قرار گرفته‌اند. شهروندان روسی با خرید ۹۳۸ خانه در ترکیه سومین گروه بزرگ خارجی خریدار مسکن بوده‌اند. محبوب‌ترین شهرها برای خرید خانه توسط اتباع خارجی در این بازه زمانی استانبول با ۲۴۰۵ خانه، آناتولیا با ۱۸۸۴ خانه و ازمیر با ۱۲۵۹ خانه بوده است. سال قبل در مجموع ۴۰ هزار و ۸۱۲ خانه در ترکیه به خارجی‌ها فروخته شد که این رقم نسبت به سال قبل از آن، ۱۰/۳ درصد کاهش یافته است. طبق قوانین جدید، اتباع خارجی با خرید خانه‌ای به ارزش ۲۵۰ هزار دلار و بالاتر می‌توانند شهروندی و تابعیت ترکیه را به دست آورند. از زمان تصویب این قانون، خرید خانه توسط خارجی‌ها رونق زیادی گرفته است.

رشد بی سابقه اقتصاد چین در سال کرونایی

درحالی که دومین اقتصاد بزرگ جهان یعنی چین با قدرت از بحران مالی ناشی از شیوع ویروس کرونا خارج می‌شود، این کشور قوی‌ترین رشد سه‌ماهه خود را به ثبت رساند. به گزارش تسنیم، به نقل از سی‌ان‌ان درحالی که دومین اقتصاد بزرگ جهان یعنی چین با قدرت از بحران مالی ناشی از شیوع ویروس کرونا خارج می‌شود، این کشور قوی‌ترین رشد سه‌ماهه خود را به ثبت رساند. تولید ناخالص داخلی این کشور در سه‌ماهه اول سال جاری میلادی ۱۸/۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت که بیشترین رشد را از زمانی که چین سوابق اقتصادی خود را در سال ۱۹۹۲ شروع به ثبت کرد، نشان می‌دهد. براساس این گزارش، علت این رشد اقتصادی، افزایش خرده‌فروشی، تولیدات صنعتی و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت بوده است. به گفته اقتصاددانان، این جهش بزرگ نشان‌دهنده کساد عمیق فعالیت در اوایل سال ۲۰۲۰ است اما چین را در مسیر رشد اقتصادی بین ۸ تا ۹ درصد در سال ۲۰۲۱ نگه می‌دارد. این رقم بالاتر از هدف رسمی دولت چین یعنی بیش از ۶ درصد است. ليو آيهوا، سخنگوی اداره آمار ملی چین روز جمعه در یک کنفرانس مطبوعاتی در پکن گفت: «ما کاملاً مطمئن هستیم که می‌توانیم روند بهبود را در طول سال حفظ کنیم. فروش خرده‌فروشی طی سه‌ماهه اول نسبت به سال گذشته ۳۴ درصد جهش داشت، درحالی که سرمایه‌گذاری دارایی‌های ثابت در مناطق شهری نزدیک به ۲۶ درصد تولیدات صنعتی بیش از ۲۴ درصد افزایش یافته است.» لری هو، اقتصاددان ارشد چین در گروه Macquarie، در گزارش تحقیقی روز جمعه گفت: «در این مرحله رشد بسیار قوی باقی مانده است، چرا که شرکت‌هایی متضرر از شیوع کرونا مانند بخش مصرف و خدمات‌های غریبی، طی همین دوره سه‌ماهه در سال هستند.» به گفته رسانه‌های غربی، طی همین دوره سه‌ماهه در سال ۲۰۲۰، تولید ناخالص داخلی چین ۶/۸ درصد کاهش یافته بود که بدترین عملکرد اقتصادی این کشور در طول ۴۴ سال گذشته محسوب می‌شد.



مرتضی عبدالحسینی روزنامه‌نگار

هرچه به روزهای پایانی دولت نزدیک می‌شویم، مقامات و تصمیم‌گیران این دولت بیش از قبل از بار مسئولیت‌شان خالی می‌کنند و سعی زیادی را برای دادن آدرس‌های اشتباهی دارند. گاهی ژست‌های طلب کارانه هم می‌گیرند. اخیراً جدلی رسانه‌ای بین محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه‌بودجه کشور و عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی شکل گرفت. اولی بالاترین مقام بودجه‌ای و مالی کشور را عهده‌دار است و دومی این ویژگی را در مقام پولی دارد. در ابتدای فروردین جاری، همتی گفته بود: «بانک مرکزی مجبور به چاپ پول برای تامین کسری بودجه دولت شده است و در عین حال این مساله به ایجاد تورم ختم شده.» نوبخت اما در واکنش به این صحبت‌ها ادعا کرده بود که بانک مرکزی نه تنها پولی از دولت طلبکار نیست، بلکه بزرگ‌ترین بدهکار به دولت همین بانک مرکزی است. مجدداً همتی این حرف را رد کرده بود و به ترازنامه بانک مرکزی اشاره کرده بود و گفته بود: «از ترازنامه بانک مرکزی مشخص است که چه کسی بدهکار و چه کسی بستانکار است.» هرچند صحبت‌های همتی علمی‌تر است و احتمالاً هم به حقیقت نزدیک‌تر، اما تحلیل وضعیت فعلی اقتصادی ایران نباید تنها به این جدل‌ها محدود شود. مهم‌ترین مشکلات سال‌های اخیر اقتصاد کشور شامل موارد: ۱. چاپ پول (ایجاد پایه پولی)، ۲. عدم اصلاح نظام بانکی، ۳. عدم اصلاح نظام مالیاتی، ۴. عدم کنترل هزینه‌ها و اصلاح ساختاری بودجه‌ها، ۵. عدم مدیریت بازار ارز می‌شود. هر ۵ مورد گفته‌شده نیازمند تعامل دولت به عنوان مقام مالی و بانک مرکزی به عنوان مقام پولی کشور را دارد. بر اساس گفته‌های همتی احتمالاً این رابطه به شکل تصاحب مقام پولی توسط دولت بوده است. در این گزارش به بررسی مبانی و آمار دولت دوازدهم در متغیرهای پولی و بودجه‌ای پرداخته شده و توضیح داده شده که سیر استحصالی که اقتصاد ما به آن دچار است از کدام ساختمان آغاز شده؛ همتی راست می‌گوید یا نوبخت؟

آقایان، کردن نکیر،

در این روزها مسئولان دولتی سعی زیادی در دادن آدرس اشتباهی به مردم دارند. وضعیت اقتصادی مناسب نیست و عمده شاخص‌های اقتصادی در مرحله پسا هشدار به سر می‌برند، برای همین مسئولان راهی جز آدرس اشتباهی دادن ندارند. استراتژی هم این است که از مسئولیت خود فرار کنند یا حتی المقتدر منتقدان را به بی‌پهرگی از دانش اقتصاد معرفی کنند. از این دست آدرس‌های اشتباهی در دولت فعلی با پیشرفته‌تر شدن امراض اقتصادی، بیشتر هم دیده‌ایم. یکی از آخرین‌ها، جدل رسانه‌ای محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی است. اولی بالاترین مقام بودجه‌ای و مالی کشور را عهده‌دار است و دومی این ویژگی را در مقام پولی دارد. همتی، رئیس کل بانک مرکزی هشتم فرودین‌ماه ۱۴۰۰ در مصاحبه با شبکه سه سیما اینچنین گفته است: «بگذارید با مردم شفاف باشیم برای مثال در سال ۹۸ و ۹۹ بخش‌هایی از بودجه دولت از طریق درآمدهای تسعیر صندوق توسعه ملی تامین شد که به زبان ساده‌تر به معنای چاپ پول است، که نتیجه‌اش تورم خواهد بود، اما در بانک مرکزی با توجه به کسری‌های بودجه کاری غیر از این نمی‌توانستیم انجام دهیم.» مفهوم ساده‌تر این صحبت از دخل (درآمد) پایین دولت می‌گوید که کفاف خرج آن را نمی‌دهد و ناگزیر به قرض گرفتن از بانک مرکزی است. بانک مرکزی هم که فی‌السنفسه درآمد چندانی ندارد و دستگاه پول چاپ کن را بدون هیچ پشتوانه ارزی و ریالی باید روشن کند و پول‌های چاپ‌شده را به دولت بدهد که همان «پایه پولی» است. در ادامه این پول با ظهور در سیستم بانکی بارها دست‌به‌دست می‌شود و اعداد بالاتری را از پول خلق می‌کند که به آن «ضریب فزاینده» می‌گویند. «پایه پولی» با «ضریب فزاینده‌ای» به «نقدینگی» تبدیل می‌شود و در ادامه جابجایی تورمی رقم می‌خورد. به همه این مراحل «مالیات تورمی» گفته می‌شود که در واقع هر کدام از مردم بدون آنکه متوجه شوند درحال پول قرض دادن به دولت هستند. پس مردم بدون آنکه بخواهند، در این سیر تورم‌زا شریک هستند؛ اما سوال اصلی اینجاست که متهمان این روزهای اقتصادی کجا نشسته‌اند؟ آیا همتی راست می‌گوید؟

دولت نوبخت و همتی: بی‌فایده برای ما

نوبخت در واکنش به صحبت‌های همتی گفته بود: «در شرایطی که دولت اندوخته مالی در بانک مرکزی دارد چه نیازی به چاپ پول با استقراض از بانک مرکزی است؟ اساساً بخشی از کسری بودجه دولت به همین دلیل است که منابع ارزی سریع به منابع ریالی تبدیل نمی‌شود.» از دیدگاه نوبخت، بانک مرکزی بزرگ‌ترین بدهکار به دولت است. در ادامه اما رئیس کل بانک مرکزی به ادعای نوبخت پاسخ داد و موارد مهمی را طرح کرد: «۱- پرواضح است که بانک مرکزی هیچ‌گاه به دولت بدهکار نبوده و نخواهد شد. کافی است که نگاهی به ترازنامه بانک مرکزی شود تا بدهکار مشخص شود. ۲- سال ۱۳۹۸ و



پایه پولی در بین دولت‌های دوم پس از انقلاب بوده است. کسری تراز عملیاتی در برنامه ششم توسعه برای سال ۹۹ در حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان و برای سال ۱۴۰۰ نیز در حدود ۲ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. البته هر چند پیش‌بینی‌های قانون ششم توسعه در این مورد منطقی و کارشناسی نبوده است اما در هر حال عملکرد مالی دولت نشان می‌دهد که تراز عملیاتی از ۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۰ (براساس لایحه بودجه ۱۴۰۰) به حدود ۳۱۹ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. از مهم‌ترین ایرادهای دولت که حتی بر فرض برجا ماندن برنامه نیز احتمالاً چنین سرنوشتی را برای اقتصاد کشور رقم می‌زد، می‌توان به عدم اصلاح نظام مالیاتی به عنوان منبع اصلی درآمد دولت و عدم اصلاح نظام بانکی به عنوان موتور تقویت و خلق نقدینگی اشاره کرد.

پوشش هزینه‌های خود نشده است. در مقابل برای اهداف انتخاباتی و جذب رضایت اقبال مختلف مجبور به افزایش بدون پشتوانه حقوق‌های کارمندان و کارکنان خود کرده است که بار اضافی بر دوش کسری بودجه بوده است. برای حل این مضوعات نیز به جای اصلاح امور اقتصادی داخلی به دنبال توافق با آمریکا و تجارت با غرب بوده که این مهم قطعاً در اولویت بعد قرار داشته است. نتیجه این تصمیمات، احتیاج بیش از حد دولت روحانی به «چاپ پول» برای تامین وعده‌ها و سوءمدیریت‌ها بوده که در این مسیر بانک مرکزی غیرمستقل کشور را نیز همراه خود کرده است.

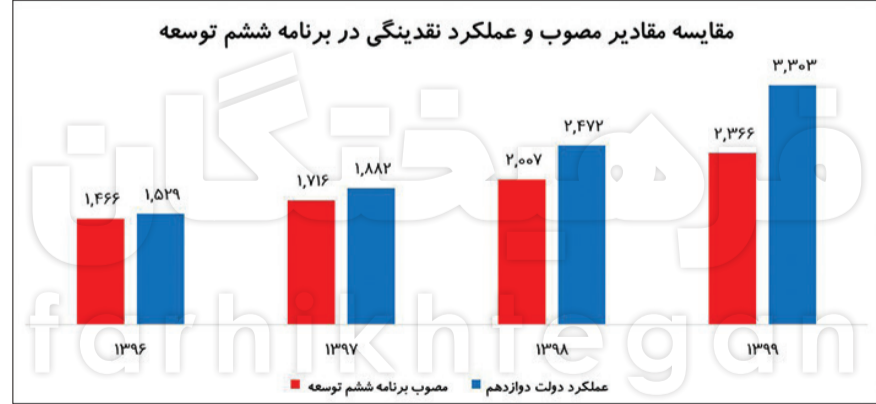
انحراف ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومانی نقدینگی از برنامه ششم

برنامه پنج ساله ششم توسعه در سال ۹۳ تا ۹۵ نگاشته شده و اجرای آن از ۱۳۹۶ هم‌زمان با شروع دوره دوم دولت روحانی بوده است. از جمله اهداف کلی «بازار پول، نظام بانکی و سطح عمومی قیمت‌ها» در سند برنامه ششم توسعه کشور می‌توان به «مهار تورم و کنترل انتظارات تورمی»، «برقراری ثبات اقتصاد کلان و کمک به رشد تولید و خروج از رکود»، «بهبود شاخص‌های سلامت در شبکه بانکی» و «مرتفع ساختن مشکلات ترازنامه‌ای بانک‌ها»، «ثبات سلامت و شفافیت نظام پولی و بانکی و ارزی»، «افزایش ثبات و پایداری نظام بانکی»، «ارتقای توانمندی‌های نظارتی بانک مرکزی بر بازار و موسسات پولی، بانکی و اعتباری»، «افزایش شفافیت نظام بانکی» و «کاهش مانده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی» اشاره داشت. مقایسه اهداف مصوب در برنامه ششم توسعه و همچنین عملکرد دولت روحانی در بازار «پول و سطح عمومی قیمت‌ها» حاکی از انحراف بسیار بالای شرایط فعلی با اهداف موجود در برنامه توسعه دارد. مقایسه‌ها نشان می‌دهد که میزان نقدینگی کل کشور براساس اهداف کمی مصوب در برنامه توسعه در پایان سال ۹۹ باید ۲۳۶۶ هزار میلیارد تومان باشد اما عملکرد دولت رقم ۳۳۰۳ هزار میلیارد تومان را نشان می‌دهد. در واقع انحراف ۱۶ درصدی در این متغیر وجود دارد. در بحث پایه پولی در برنامه ششم، هدف کمی متوجه دولت نبوده است اما به صورت عرفی دولت موظف به کنترل بدهی‌های خود به بانک مرکزی بوده است که این مساله نیز رعایت نشده است. پایه پولی در دولت دوم روحانی ۱۰۳ درصد رشد کرده است که بی‌سابقه‌ترین رشد

۱۳۹۹ عامل مسلط در رشد پایه پولی، تبدیل منابع ارزی مسدود و غیرقابل دسترس به ریال بوده است، درحالی که در سال‌های قبل از آن، عامل مسلط، بدهی بانک‌ها بود که با تلاش بانک مرکزی در شرایط بسیار سخت مهار شد. اگر روزی برسد که بانک مرکزی بدهکار دولت باشد، به معنای آغاز حکمرانی درست در اقتصاد و مهار و کنترل تورم خواهد بود و معنای آن است که دولت می‌تواند نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری کند. «بعید است که از پاسکاری‌های همتی و نوبخت پاسخی برای ما پیدا شود، هرچند در ظاهر صحبت‌های همتی تمیزتر و اقتصادی‌تر است.

بانک مرکزی نه، دستگاه چاپ پول می‌خواهیم

در مبانی علم اقتصاد گفته می‌شود که دولت‌ها برای تحقق اهداف کوتاه‌مدت خود (این اهداف می‌تواند انتخاباتی ... و باشد) و کسب درآمد، متکی به «مالیات تورمی» هستند که برای اجرای آن باید به «سیاست‌های پولی صلاح‌دید» اقدام کنند. در واقع دولت‌ها برای تامین کسری بودجه خود باید از بانک مرکزی پول قرض بگیرند و بالاترین مقام پولی را برای اهداف کوتاه‌مدت خود مجبور به اجرای سیاست‌های صلاح‌دید می‌کنند. بخشی از کسری بودجه فعلی در کشور ما به دلیل تحریم‌ها بروز پیدا کرده، اما نمود اصلی آن قطعاً در عملکرد مالی و پولی مسئولان است. دولت روحانی از ابتدای حضور خود در سال ۹۳ تا به حال نقدینگی را ۵ برابر و پایه پولی را هم ۳/۶ برابر رشد داده است و بی‌سابقه‌ترین رکورد‌ها را به نام خود ثبت کرده است. این درحالی است که رشد اقتصادی تجمعی طی دولت روحانی تنها نصف نوبده، بلکه پایین‌تر از آن است. مقایسه اقدام رشد نقدینگی و پایه پولی قبل و بعد از تحریم‌های آمریکا (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که حتی قبل از آن هم میانگین رشد نقدینگی در اقتصاد در حدود ۲۲ درصد و میانگین رشد پایه پولی نیز ۱۷ درصد بوده است که در سال‌های بعد از تحریم تشدید شده است. بنابراین بدون تحریم‌ها هم وضعیت پولی و مالی کشور بدون حساس و کتاب بوده است و اقتصاد کشور از بی‌انضباطی مالی و بودجه‌ای برخوردار بوده است. در واقع دولت روحانی به دلیل عدم دستیابی به درآمدهای پیش‌بینی‌شده در فروش دارایی‌های سرمایه‌ای، دارایی‌های مالی، مولدسازی دارایی‌ها و همچنین درآمدهای مالیاتی طی چند سال اخیر موفق به



سال	معملکرد دولت روحانی در شاخص‌های کلان پولی
نقدینگی (هزار میلیارد ریال)	۶۳۹۵
نرخ رشد نقدینگی (درصد)	۲۹
پول (هزار میلیارد ریال)	۱۱۹۶
نرخ رشد پول (درصد)	۵۹
شبه پول (هزار میلیارد ریال)	۵۱۹۹
پول (درصد) نرخ رشد شبه پول	۴۹/۸
پول به پول نسبت شبه پول	۲۷/۲
پایه پولی (هزار میلیارد ریال)	۱۱۸۴
نرخ رشد پایه پولی (درصد)	۲۱/۴
تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال)	۱۱۸۴۳
نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی	۵/۵۴

معادل ریالی ۵۱ میلیارد دلار در ۹۷ و ۹۸ چاپ شده است

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی هم اخیراً مواردی را در گفت‌وگوهای مختلف مبنی بر بی‌انضباطی دولت و تحت فشار قرار دادن بانک مرکزی مطرح کرده است که مرور آن خالی از لطف نیست: ۱. دولت‌ها در اقتصاد ایران عادت به دریافت «تخووه» از بانک مرکزی کرده‌اند و هر ساله در ابتدای سال ۵ درصد از کل بودجه را از بانک مرکزی دریافت می‌کنند که منجر به رشد ۱۰ درصدی پایه پولی می‌شود. دولت معمولاً زیر بار تصفیه نخواهد نمی‌رود، ۲. دولت تاکید به دریافت ریالی ارزهایی دارد که در خارج از کشور مسدود شده‌اند و سرنوشت آنها مشخص نیست. آن وقت بانک مرکزی مجبور است بابت ارزی که مشخص نیست به داخل کشور بازگردد، معادل ریالی در اختیار دولت قرار دهد. این مساله در افزایش بی‌سابقه «خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی» نمود پیدا کرده است، ۳. در مجموع سال‌های ۹۷ و ۹۸ بانک مرکزی معادل ریالی ۱۵ میلیارد دلار را در اختیار دولت قرار داده است و تا به اینجا این ارزها رفع تعهد نشده‌اند. معادل ریالی این ارزها که به معنای چاپ پول است، در برخی موارد صرف پرداخت و افزایش حقوق‌ها شده است.

بانک مرکزی هم منزه نیست

براساس اولتیماتوم یک سال پیش بانک مرکزی، صادرکنندگان برای بازگشت ارز حاصل از صادرات خود در سال‌های ۹۷ و ۹۸ که در بازار نیمایی عودت داده نشده بود، فرصت محدودی داشتند. این ضرب‌الاجل مربوط به ۲۷/۵ میلیارد دلار ارزی بود که صادرکنندگان براساس تعهد خود به بانک مرکزی تحویل نداده‌اند. به صورت جزئی‌تر طی سال‌های ۹۷ و ۹۸ از حدود ۲۷/۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی کشور که باید ارز صادراتی آن به چرخه اقتصادی برمی‌گشت، حدود ۴۵ میلیارد دلار بازگشت و از سرنوشت ۲۷ میلیارد دلار باقی آن خبری نیست. اما حالا و براساس جدیدترین اظهارنظر رئیس کل بانک مرکزی در این مورد ظاهر ۱۶ میلیارد دلار از ۲۷/۵ میلیارد دلار گفته‌شده به سیستم اقتصادی کشور بازگشته است. این درحالی است که دسترسی به این ارزها آن هم در شرایطی که منابع ارزی کشور رو به اتمام است، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود. گفته می‌شود این عدم رفع تعهدات ارزی عمدتاً از سوی کارت‌های بازرگانی اتفاق می‌افتد که در گذشته هم سابقه عدم تعهد ارزی در کارنامه خود داشته‌اند، اما در حال حاضر و در سال‌های اخیر با کارت‌های بازرگانی اشخاص غیر به صورت اجاره‌ای درحال فعالیتند که این مشکل نیز از سوءمدیریت هم‌زمان در وزارت صمت نشأت می‌گرفت. این یکی دیگر از مشکلات اقتصادی کشور بود که در شوک ارزی و ایجاد تورم ناشی از آن نقش اساسی داشت، بنابراین عملکرد بانک مرکزی نیز در این سال‌ها مورد انتقادات جدی قرار دارد و تنها عملکرد مالی نیست که منجر به ایجاد شرایط فعلی شده است، بلکه سوءمدیریت‌هایی نیز در بانک مرکزی به عنوان مقام پولی دیده شده است.